



درآمد

اگر چه بسیارند افرادی که سیدعباس موسوی را به دلیل مسئولیت‌هایی که در حزب‌الله و مقاومت اسلامی لبنان داشت مرد مبارزه و رزمجو می‌دانند، اما ابعاد عرفانی و معنوی و فکری ایشان همچنان ناشناخته مانده است. علامه حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسان سويدان از فضلاء حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با شاهد یاران گوشه‌های شخصیت عرفانی و معنوی سید شهدای مقاومت اسلامی را آشکار می‌کند.

گفت‌وگوی شاهد یاران با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ حسان سويدان روحانی لبنانی

نشانه‌های عرفانی و مسیحیایی در چهره سیدعباس موسوی هویدا بود...

در صورت امکان بفرمایید که شهید سیدعباس موسوی چگونه به صنف روحانیت مبارز پیوست؟

بسم الله الرحمن الرحيم، سیدعباس موسوی یک جوان متدین لبنانی بود که در یک خانواده مذهبی، و در یک محیط اجتماعی مذهبی در روستای نبی شیت متولد شد، و پرورش یافت. خاندان موسوی یکی از خانواده‌های سرشناس و بزرگ این روستا است که اصل و نسب آن به امام موسی بن جعفر (ع) باز می‌گردد. در آن زمان شرایط زندگی و وضعیت اقتصادی مردم در روستای نبی شیت در سطحی بسیار پایین بود. چرا که این روستا در یک منطقه دور افتاده در نزدیکی مرز سوریه واقع شده و با شهر بیروت فاصله زیادی دارد. اکثریت قریب به اتفاق ساکنان این روستا و نیز اکثریت ساکنان این منطقه از شیعیان اهل بیت (ع) هستند.

سیدعباس موسوی که از دوره نوجوانی به تدین و پرهیزکاری و استقامت شهرت داشت، در سنین جوانی برای فراگیری علوم دینی بسیار ابراز علاقه نشان داد. عشق و علاقه و ارتباط غیر مستقیم او با امام موسی صدر باعث شد زود هنگام به مراکز آموزش علوم دینی وابسته به امام صدر بپیوندد. برخی برادران در این باره گفته‌اند که شهید عباس موسوی در آغاز نوجوانی در یکی از مراکز ساده آموزش دینی که توسط امام موسی صدر دایر شده بود، ثبت نام کرد و دروس مقدمات را در آن فرا گرفت. سیدعباس پیش از اینکه به سن ۲۰ سالگی برسد عازم حوزه علمیه نجف اشرف شد. این حوزه در آن مرحله به «حوزه مادر» شهرت داشت. چرا که طلاب جوان شیعه از کشورهای گوناگون برای فراگیری علوم دینی عازم حوزه نجف اشرف می‌شدند. حوزه علمیه شهر مقدس قم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به طلاب ایرانی محدود بود و در آن زمان طلاب خارجی در حوزه علمیه

قم حضور نداشتند.

حوزه علمیه نجف اشرف از قدیم قبله گاه مؤمنان و دانش‌پژوهان از سر تا سر کشورهای اسلامی بود. سیدعباس موسوی نیز مانند سایر طلاب کشورهای اسلامی به نجف اشرف آمد و طلبه‌های لبنانی که از قبل در این حوزه سرگرم تحصیل بودند، از او استقبال کردند. نظر به اینکه سیدعباس به فروتنی و پرهیزکاری

سیدعباس موسوی که از دوره نوجوانی به تدین و پرهیزکاری و استقامت شهرت داشت، در سنین جوانی برای فراگیری علوم دینی بسیار ابراز علاقه نشان داد. عشق و علاقه و ارتباط غیر مستقیم او با امام موسی صدر باعث شد زود هنگام به مراکز آموزش علوم دینی وابسته به امام صدر بپیوندد

شهرت داشت و مهم‌تر از همه یک شخصیت مکتبی بود، زود هنگام توانست خود را به عنوان یک طلبه مستقل، مستقیم، با اراده، تلاشگر و آرمان خواه بروز دهد. او نشان داد که برای فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه نجف آمده و نه برای اهداف دیگر.

در آن مرحله در پی اوج گیری تمایلات کمونیستی در عراق، برخی جنبش‌های فکری و ادبی میان برخی طلبه‌های لبنانی و غیر لبنانی بروز کرد که هدفشان مشاعره و قافیه چینی شعر و ادبیات عرب و حضور در انجمن‌های

ادبی و فکری و اجتماعی بود.

آیا سیدعباس در این انجمن‌ها نیز شرکت می‌کرد؟ هرگز. سیدعباس هرگز توجهی به این انجمن و محافل نداشت. او همه تلاش و فعالیت خود را روی فراگیری علوم دینی متمرکز کرد. در آن مرحله جوانان تحصیلکرده و فرهیخته و طلبه‌های آگاه و روشن که به اصلاحات و دگرگونی وضع موجود علاقه‌مند بودند در محفل و محضر درس شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر حضور داشتند. چرا که شهید صدر، طلاب و جوانان را به نهضت و جنبش امت اسلامی فرا می‌خواند. بی‌تردید راهکارها و برنامه‌های شهید صدر در آن مرحله در راستای اهداف و نهضت فکری مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم صورت می‌گرفت. آیت‌الله حکیم به منظور پیشبرد نهضت اسلامی دفاتر گوناگونی در شهرهای عراق دایر کرد و نمایندگان دینی خود را به آن دفاتر گسیل داشت. فعالیت‌های امام سیدمحسن حکیم جنبه‌های اجتماعی و دینی داشت. به شیوه‌های یک مرجع تقلید دین عمل می‌کرد.

این در حالی است که شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، یک شخصیت دینی جوان بود، و حرکت خود را به شیوه نهضتی و جنبشی آغاز کرده بود. فعالیت‌های شهید صدر به دایر کردن دفاتر و کتابخانه‌ها و اعزام نمایندگان دینی محدود نبود. او در آن مرحله هنوز به عنوان یک مرجع تقلید شناخته نشده بود تا نمایندگان دینی خود را به شهرها و روستاها اعزام نماید، بلکه یک روحانی فعال و مبارز و آگاهی بخش بود. او برای تحقق اهداف و آرزوهای خود گام به گام حرکت کرد، شهید صدر پس از تأسیس «جماعت العلماء» در شهر نجف اشرف، مجله فکری و علمی «الأضواء» را منتشر کرد. شهید صدر با برخورداری از هوش و استعدادهای قوی، جوانان تحصیل کرده و



حضور داشته است. شیخ حبیب که به شیخ حبیب مهاجر نیز شهرت داشت از منطقه جبل عامل در جنوب لبنان به منطقه بقاع مهاجرت کرده بود. او یکی از عالمان سرشناس و از اندیشمندان برجسته آن روز لبنان بود، برخی از صاحبان نظر نقل کرده‌اند که مرحوم شیخ حبیب مهاجر مجتهد جامع‌الشرایط نیز بوده است. او به منظور تبلیغ احکام دین و گسترش آگاهی اسلامی از روستای «حناویه» در جنوب لبنان به شهر بعلبک در بقاع مهاجرت کرد، چرا که در آن برهه عالمان متعددی در جنوب لبنان حضور داشتند. اما، در منطقه بعلبک عالمان بزرگ دینی حضور نداشتند. آنچه وجود داشت تعدادی روحانی ساده بود. منطقه بقاع از نداشتن یک عالم بزرگ و سرشناس رنج می‌برد، و به همین دلیل مرحوم شیخ حبیب آل ابراهیم به بعلبک مهاجرت کرد، و به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دامنه‌داری پرداخت. در آن مرحله که حوزه‌های علمی از کمبود امکانات فرهنگی رنج می‌بردند، شیخ حبیب مهاجر در بعلبک نشریات علمی و اجتماعی منتشر کرد. انتشار مجله در آن مرحله یک حرکت استثنایی و بی‌نظیر بود.

تردیدی نیست که سیدعباس موسوی که در منطقه بعلبک زندگی می‌کرد و پرورش یافت تحت تأثیر فضاهای علمی این منطقه قرار گرفته باشد. فعالیت‌های فرهنگی و علمی شیخ حبیب مهاجر با دوران نوجوانی سیدعباس همزمان بود. پیش از عزیمت شهید موسوی به حوزه علمیه نجف اشرف، نهضت فکری و فعالیت‌های شیخ حبیب مهاجر این اندیشمند مکتبی زبانزد ساکنان منطقه بقاع و سرتاسر لبنان شده بود.

می‌دانید که شهید سیدعباس موسوی در آن برهه از فضاهای جنبش مقاومت فلسطینی نیز دور نبوده است. گفته شده که در دوران جوانی مدتی نیز با برخی مبارزان فلسطینی همکاری داشت. چه شد که پیکار نظامی و سیاسی را رها کرد و به تحصیل علوم دینی روی آورد؟

این نکته که به آن اشاره کردید، یکی از نکات مهم و حساسی است که لازم می‌دانم آن را به تفصیل شرح دهم. پس از پیدایش رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ و شکست‌هایی که بر اعراب وارد آمد، ملت فلسطین ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌های فراوانی متحمل شد. از همه جهات به ملت فلسطین ظلم شد، از نظر انسانی و اسلامی درد و رنج‌های فراوانی بر ملت فلسطین وارد آمد. از نظر اسلامی سرزمین فلسطین و اماکن مقدس آن به ویژه قدس عزیز از دست رفت. از نظر انسانی ملت فلسطین از سرزمین خودی آواره شد، و اکنون در کشورهای همسایه در آوارگی به سر می‌برند. از زمان غصب سرزمین فلسطین، این امت همواره در معرض قتل عام‌ها و کشتارهای رژیم صهیونیستی قرار دارد.

در روایات اسلامی به ویژه روایات اهل بیت (ع) بر لزوم یاری رسانی به مظلومان و ستم‌دیدگان تأکید شده است. مسلمانان به ویژه شیعیان اهل بیت (ع) بر اساس اعتقاد به این روایات باید به ملت مسلمان فلسطین کمک کنند. کمک به محرومان فلسطین نهایت احساس و شعور انسان‌های مسلمان و مؤمن را نسبت به هموعان خود نشان می‌دهد. آوارگی ملت فلسطین و سکونت ده‌ها هزار تن آنان در لبنان احساسات انسان‌های با وجدان و آزاده لبنانی را جریحه‌دار کرد، شخصیت‌های متدین و عدالت‌خواه لبنانی به کمک آوارگان فلسطینی شتافته و به دفاع از آرمان آنها پرداختند.

به یاد دارم که در پی غصب سرزمین فلسطین، مراجع بزرگ تقلید جهان تشیع به ویژه مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف پرداخت حقوق و وجوهای شرعی به جنبش‌های مقاومت فلسطینی را مجاز دانستند.

شرف‌الدین را آتش زده و او را از لبنان تبعید کردند. قیام امام سیدجعفر شرف‌الدین بر همه اقشار شیعیان جنوب لبنان اعم از روحانی و پیشه‌ور اثر گذاشت و ده‌ها تن از جوانان را تشویق کرد به فراگیری علوم دینی گرایش پیدا کنند.

در پی ارتحال امام شرف‌الدین، امام موسی صدر به لبنان آمد و حرکت خود را در پرتو شعار دفاع از محرومان آغاز کرد. در حقیقت نامگذاری جنبش محرومان به این نام، یک اقدام به جا و پسندیده بود. امام موسی صدر آرزو داشت این جنبش مایه امید امت مسلمان و همه مردم لبنان، به ویژه شیعیان اهل بیت (ع) باشد. چرا که شیعیان بیش از سایر طوایف لبنان در مظلومیت و محرومیت به سر می‌بردند.

سیدعباس موسوی در چنین فضاهایی پرورش یافت. او که در یک محیط اجتماعی متدین زندگی کرده بود، او که در یک خانواده سادات هاشمی اصیل تولد یافته بود، به گرایش به تحصیل علوم اهل بیت (ع) روی آورد.

در پی غصب سرزمین فلسطین، مراجع بزرگ تقلید جهان تشیع به ویژه مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف پرداخت حقوق و وجوهای شرعی به جنبش‌های مقاومت فلسطینی را مجاز دانستند. آقابان آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه فتوا صادر کردند

من به یاد ندارم که یک روحانی سرشناس و برجسته در خاندان موسوی وجود داشته است که سیدعباس را به تحصیل علوم حوزوی تشویق کرده باشد. پدر او را خوب می‌شناسم. عموی سیدعباس را هم که پدر همسرش می‌باشد را هم خوب می‌شناسم. اعضای این خانواده، افرادی مهربان و متدینند، به علوم و مسائل شرعی بسیار متعهدند. ممکن است سید را به فراگیری علوم دینی تشویق کرده باشند. به ویژه اینکه در این خانه همواره مراسم عزاداری سیدالشهدا (ع) و آیین‌های مذهبی بر گذار می‌شده است.

البته ناگفته نماند که در آن مرحله یک عالم برجسته دینی به نام شیخ حبیب آل ابراهیم عاملی در منطقه بقاع

مبارز را از مناطق گوناگون عراق گردآوری و سازماندهی کرد. شاید بتوان گفت که آمدن سیدعباس موسوی به شهر نجف اشرف و پیوستن به حوزه علمیه، یک غنیمت بزرگی برای شهید صدر بود. چرا که سیدعباس همه رؤیاهای خود را در شخصیت صدر یافت.

با وجود آنکه از حضور شهید سیدعباس موسوی در نجف چند ماهی نگذشته بود و هنوز مرحله سطوح را می‌گذراند و هنوز به مرحله تحصیل دروس خارج فقه نرسیده بود اما، زود هنگام شیفته دیدگاه‌های شهید صدر شد. در نتیجه این همدلی و این شیفتگی میان آن دو بزرگوار روابط صمیمانه علمی برقرار کرد و موجب شد که آن دو یکدیگر را خوب بشناسند. بین یک شاگرد ممتاز و با استعداد و یک استاد بزرگ که در آستانه صعود به قله‌های مرجعیت بود، روابطی مستحکم برقرار شد. بنابراین، شهید سیدعباس موسوی زود هنگام تحت تأثیر دیدگاه‌ها و راهکارهای شهید صدر قرار گرفت، و این تأثیرگذاری به طلاب جوان لبنانی که وارد حوزه علمیه نجف می‌شدند منتقل شد.

از برجسته‌ترین طلاب جوان لبنانی که پس از سیدعباس موسوی وارد حوزه علمیه نجف اشرف شدند آقای سیدحسن نصرالله بود که مورد استقبال گرم سیدعباس قرار گرفت، و او را به شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر معرفی کرد. با آمدن جوانان پر شور و علاقه‌مند لبنانی به حوزه علمیه نجف اشرف یک نوع حرکت جدید و جنب‌وجوش در حوزه آغاز شد.

آیا در خانواده شهید سیدعباس موسوی عالم دین و روحانی وجود داشت که او را به تحصیل علوم حوزوی تشویق کند یا عزیمت سید به نجف بر اساس خواست درونی‌اش بود؟

در حقیقت آنچه در آن مرحله جوانان شیعه لبنانی را به فراگیری علوم اهل بیت (ع) تشویق می‌کرد، وجود یک نوع گرایش کیفی به فراگیری علوم دینی در منطقه جبل عامل لبنان بود. این جوانان به کسی نیاز نداشتند تا آنان را به عزیمت به حوزه‌های علمی و فراگیری علوم دینی تشویق کند بلکه، به صورت خود جوش به فراگیری علوم اسلامی و علوم اهل بیت (ع) گرایش داشتند. در دوران جوانی شهید سیدعباس موسوی یک نوع جهش و گرایش به فراگیری علوم اسلامی وجود داشت. چرا که مرحوم آیت‌الله‌العظمی امام شرف‌الدین عاملی که در منطقه جبل عامل در برابر استعمارگران فرانسه قیام کرده بود، نسل آن روز و نسل‌های بعدی را تحت تأثیر این قیام‌رهایی بخش قرار داده بود (استعمارگران فرانسوی در پی این قیام، خانه و کتابخانه و کتاب‌های خطی

می‌داد. در آن مرحله یک پشتوانه قوی وجود نداشت. اما، در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران با قدرت در کنار شیعیان لبنان ایستاده و از آنان حمایت می‌کند. امام موسی صدر در آن مرحله کارش را از صفر آغاز کرد و در برخی مواقع ناچار شد از منابعی کمک مالی دریافت کند که دلخوشی از جنبش محرومان لبنان نداشتند. فراموش نکنید که شخصیت‌های برجسته جنبش اهل به جمهوری اسلامی ایران منتقل شدند و موقعیت‌های کلیدی کسب کردند. شهید دکتر مصطفی چمران یکی از بنیانگذاران اصلی جنبش اهل به شمار می‌رفت. در همان مرحله امام سیدموسی صدر به شدت تحت تأثیر دیدگاه‌ها و راهکارهای امام خمینی قرار گرفته بود. امام خمینی که با کسی تعارف نداشت، امام موسی صدر را یکی از فرزندان خود توصیف می‌کرد. با این وصف امکانات مالی و مادی طایفه شیعه در آن مرحله بسیار ضعیف و ناچیز بود. نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در طایفه شیعه، احساسات جوانان شیعی را جریحه دار کرده بود و آنان را آزار می‌داد. جوانان شیعه که تشنه دفاع از ارزش‌های دینی و ملی و ناموس خود در برابر تهاجم فرهنگی و تهاجم افکار چپ گرایانه بودند به ناچار به برخی سازمان‌ها و احزاب لائیک و ناسیونالیست می‌پیوستند. تمایلات و اندیشه‌های ناسیونالیستی جمال عبدالناصر و مبارزات جنبش‌های مقاومت فلسطین این جوانان را شیفته خود کرده بود. برخی شعارهای پر زرق و برق کمونیست‌ها نیز جوانان پر جنب و جوش شیعه را جذب می‌کرد. حزب بعث سوسیالیست نیز در برخی مراحل توانست جوانان شیعه را جذب کند، پس از اینکه این حزب در کشورهای سوریه و عراق به قدرت رسید، و برای خود در لبنان شاخه‌ای به وجود آورد کوشید جوانان شیعه را به طرف خود بکشاند. فراموش نکنیم که حزب بعث از امکانات مالی و تسلیحاتی قوی در لبنان برخوردار بود. البته جنبش فکری دینی در لبنان در آن مرحله بسیار فعال بود و علمای بزرگی همچون علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر و دیگران حضور داشتند، و برای گسترش فرهنگ دینی و آگاهی عمومی تلاش می‌کردند اما، این تلاش‌ها چشمگیر و گسترده نبود. در آن مرحله در جامعه شیعه لبنان دو طرز تفکر وجود داشت. یکی طرز تفکر علمای سنی بود که هرگز در مسایل اجتماعی و سیاسی شرکت نداشت، دارندگان این طرز فکر که از نظر جایگاه علمی و دینی آدم‌هایی محترمند در خانه‌شان گوشه نشینی را انتخاب کرده و هیچ تأثیری در حرکت اجتماعی جامعه‌شان

اصولاً سید فقط برای فراگیری علوم حوزوی به نجف نرفته بود. او آرزوهای بلندتری در سر می‌پروراند و اهداف بزرگی دنبال می‌کرد. می‌خواست ایمان و اعتقادات دینی‌اش را مستحکم کند. در حقیقت یکی از اهداف والای سیدعباس موسوی از عزیمت به حوزه علمیه نجف اشرف، آماده سازی فکری و تدارک عملی برای آغاز پیکار مکتبی در راه آزادسازی فلسطین بود

لائیک فلسطینی مبارزه را رها کرده و غنایم دوران مبارزه را جست‌وجو می‌کنند. شعارها و پیکارهای انقلاب را کنار گذاشته‌اند.

سیدعباس موسوی در کنار تحصیلات حوزوی در حوزه علمیه نجف در نجف اشرف می‌کوشید با بسیاری از شخصیت‌های جنبشی و پیکارگر که آن روز در نجف حضور داشتند آشنا شود، و زمینه همکاری با آنان را هموار کند. اصولاً سید فقط برای فراگیری علوم حوزوی به نجف نرفته بود. او آرزوهای بلندتری در سر می‌پروراند و اهداف بزرگی دنبال می‌کرد. می‌خواست ایمان و اعتقادات دینی‌اش را مستحکم کند. در حقیقت یکی از اهداف والای سیدعباس موسوی از عزیمت به حوزه علمیه نجف اشرف، آماده سازی فکری و تدارک عملی برای آغاز پیکار مکتبی در راه آزادسازی فلسطین بود. زمانی که شهید موسوی عازم نجف شد، سرزمین لبنان در اشغال صهیونیست‌ها قرار نداشت. فکر و هوش این جوانان متعهد روزها روی تلاش برای آزادی فلسطین متمرکز بود.

بررسی اوضاع آن روز لبنان نشان می‌دهد که بیشتر جوانان شیعه در بسیاری جنبش‌های چپ‌گرا و لائیک لبنانی و فلسطینی فعالیت داشتند. به نظر شما علت اینکه در طایفه شیعه سازمان و تشکیلات سیاسی وجود نداشت چه بود؟

در حقیقت همه افراد جامعه شیعه از نبود نهادهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی مخصوص خود رنج می‌بردند. نبود یک سازمان و یا تشکیلات اجتماعی که بتواند آرزوها و خواسته‌های جوانان شیعه را برآورده کند، آنان را آزار

آقایان آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه فتوا صادر کردند. امام کمک به جنبش‌های فلسطینی فتوا صادر کرد. استفتاءهای مراجع بزرگ شیعه همچنان محفوظ است. برخی از مراجع بزرگ تقلید رهبران جنبش‌های فلسطینی را به حضور پذیرفتند و از آنان پشتیبانی مالی به عمل آوردند. این کمک‌ها پیش از برپایی نظام جمهوری اسلامی در ایران ارائه می‌شد. در شرایطی که امکانات مراجع تقلید آن روز بسیار محدود بود. این در حالی است که آن زمان جنبش‌های اسلام‌گرای مقاومت فلسطین در صحنه حضور نداشتند، و جنبش‌های چپ‌گرای لائیک و ناسیونالیست گرداننده مبارزه با اسرائیل بودند. به طور مثال برخی رهبران جنبش فتح در آن مرحله ریشه دینی و اسلامی داشتند. به طور مثال یاسر عرفات از درون جنبش اخوان المسلمین برانگیخته شده بود.

علمای مسلمان و مراجع تقلید بر اساس این نگرش به جنبش‌های فلسطینی کمک کردند که سرزمین فلسطین متعلق به مسلمانان است و اسرائیلی‌ها آن را غصب کرده‌اند. مراجع تقلید شیعه تلاش برای آزادی نخستین قبله مسلمانان در فلسطین را واجب شرعی می‌دانستند. همیاری با مظلومان و پاسداری از اماکن مقدس اسلامی یک وظیفه شرعی است.

بر اساس این نگرش همه افسراد مؤمن و متعهد با آرمان فلسطینی اعلام همبستگی کردند. تنها سیدعباس موسوی نبود که به جنبش مقاومت فلسطین پیوست. او در مسیر صحیح گام برداشت. بسیاری از رهبران کنونی مقاومت اسلامی لبنان از جنبش‌های مقاومت فلسطین پشتیبانی کردند. شهید بزرگ حاج عماد مغنیه، در دوران جوانی یکی از محافظان مخصوص یاسر عرفات بود. حاج علی ادیب مشهور به ابو حسن سلامه که توسط عوامل رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. یکی از فعالان جنبش مقاومت فلسطین بود. بسیاری از فرماندهان کنونی مقاومت اسلامی لبنان در دوران جوانی در جنبش‌های مقاومت فلسطین فعالیت داشتند. چرا؟ برای اینکه این افراد از زمانی که خود را شناختند، با دین و ایمان سر و کار داشتند، از نظر فطری مؤمن و متعهد بودند. بر مبنای باورهای دینی و اعتقادی از آرمان مردم فلسطین پشتیبانی به عمل آوردند اما، پس از اینکه برخی جنبش‌های فلسطینی به بیراهه کشیده شدند و راه‌سازش را در پیش گرفتند. سبب شد این افراد مؤمن و متعهد لبنانی از جنبش‌های مزبور فاصله بگیرند.

شاید در خلال این گفت‌وگو، این پرسش را مطرح کنیم که چرا جوانان مؤمن و متعهد لبنانی جذب جنبش‌های مقاومت فلسطینی شدند. برای پاسخ به این پرسش باید گفت که عنوان فلسطین و آرمان فلسطین، قداست داشت. این جوانان سلحشور برای دفاع از یک آرمان مقدس به جنبش‌های مقاومت فلسطینی پیوستند. زبان حال جوانان متعهد و مؤمن این بود «کاری به رفتار و کردار برخی کارگزاران جنبش‌های فلسطینی نداریم و ما برای هدفی مقدس مبارزه می‌کنیم». افراد مؤمن و متعهد لبنانی همچون سیدعباس موسوی و حاج عماد مغنیه و ابو حسن سلامه بر این اساس با جنبش‌های مقاومت فلسطینی همکاری کردند اما، به محض اینکه جنبش‌های مقاومت اسلام‌گرا وارد صحنه شدند و به نام و عنوان اسلامی به مبارزه با اشغالگران پرداختند، به همکاری با این جنبش‌ها روی آوردند. چرا که احساس کرده بودند که در سایه همکاری با این جنبش‌ها می‌توانند به اهداف و آرزوهای خود برسند و این جوانان به روشنی می‌دیدند که برخی رهبران فلسطینی در سال‌های اخیر به فکر منافع شخصی و گروهی افتاده‌اند. بسیاری از رهبران چپ‌گرا و



■ سخنرانی شهید موسوی در مراسم سالگرد ارتحال امام در بیروت.



تبلیغ کنند. شکی نیست که این افراد مؤمن و متعهد در اندیشه‌ها و راهکارهای امام خمینی ذوب شدند. آن‌گونه که شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به آنان چنین توصیه کرده بود.

از ابعاد عرفانی و معنوی شهید سیدعباس موسوی چه شناختی دارید؟

اصولاً اگر به سیمای شهید سیدعباس موسوی نگاه کنید، نشانه‌های عرفانی و مسیحایی را کاملاً در چهره او ملاحظه خواهید کرد. برادرانی که از نزدیک و از دوران کودکی با او سر و کار داشتند نقل می‌کنند که این نشانه‌های عرفانی از دوران شکل‌گیری شخصیت او وجود داشته است. این شخص به انسان آرام و خونسرد شهرت داشت، عشق به خدا و فرامین دینی در عقل و قلب او زبانه می‌کشید. این ویژگی‌های شهید بزرگ سیدعباس موسوی ویژگی‌های غریزی است. انسان دل‌رحم و عاطفی بود. هر گاه با صحنه‌های دلخراش و درد آور مواجه می‌شد، اشک دور چشمان او حلقه می‌زد. هر گاه برای برپایی نماز در محضر خداوند بزرگ می‌ایستاد، و حالت تواضع و خشوع به او دست می‌داد اشک از چشمان او جاری می‌شد. رفتار و کردار خود را با ارزش‌های عرفانی و معنوی عجین ساخته بود. این نشانه‌های عرفانی او را از شر گزندها و خطاها پس از گرایش به فراگیری علوم اهل بیت (ع) مصون داشت. هنگامی که در حوزه علمیه نجف اشرف مستقر شد، شهید سیدمحمدباقر صدر الگو و نشانه راه او قرار گرفت. مرحوم شهید صدر نیز در برخورد با مسایل وجدانی، انسانی بسیار وارسته، عاطفی، فروتن و پرهیزکار بود. در حالت خشوع و تواضع زار زار گریه می‌کرد. سیدعباس موسوی که از این گونه ویژگی و استعدادها برخوردار بود، ناگهان خود را در برابر یکی از بندگان مخلص خدا (شهید صدر) یافت. او پس از مدتی تحصیل در حوزه‌های درسی شهید صدر شیفته اخلاق فاضله و رفتار نیک او شد و در اخلاق و رفتار او ذوب شد.

شهید سیدعباس موسوی در آخرین سفری که قبل از شهادت به ایران داشت با او دیدار داشتیم، دیدگاه‌ها و ارزش‌های معنوی شهید آیت‌الله صدر را همچنان بازگو می‌کرد. اگر شما به عرفان مانند یک مکتب آموزشی، مانند کتاب «فصوص الحکم» و غیره تعبیر می‌کنید. من به شما می‌گویم که نه شهید سیدمحمدباقر صدر و نه شهید سیدعباس موسوی در وادی این برنامه‌ها نبودند.

که مأموران حزب بعث او را تحت تعقیب قرار داده و قصد داشتند او را بازداشت کنند. در آن مرحله بسیاری از طلبه‌های لبنانی حوزه علمیه نجف اخراج و تعدادی نیز بازداشت شدند. طلبه‌های اخراجی، شهید سیدعباس را مانند فرد گم گشته و مراد دل خود یافته و پیرامون او گرد هم آمدند. این جوانان مؤمن و متعهد که محضر درس آیت‌الله صدر را از دست داده بودند، سیدعباس را به عنوان یکی از شاگردان ارشد شهید صدر یافتند. رجوع طلبه‌های اخراجی به این شاگرد ارشد، او را تشویق کرد تا حوزه امام منتظر (عج) در شهر بعلبک را پایه‌گذاری کند. سیدحسین نصرالله و شیخ محمدعلی خاتون دو تن از طلبه‌هایی بودند که سیدعباس را برای خود الگو و سرمشق قرار دادند.

دور از انصاف است که به این نکته اشاره نکنیم که برخی از طلبه‌های لبنانی که از حوزه علمیه نجف اشرف اخراج

اصولاً اگر به سیمای شهید سیدعباس موسوی نگاه کنید، نشانه‌های عرفانی و مسیحایی را کاملاً در چهره او ملاحظه خواهید کرد. برادرانی که از نزدیک و از دوران کودکی با او سر و کار داشتند نقل می‌کنند که این نشانه‌های عرفانی از دوران شکل‌گیری شخصیت او وجود داشته است

شدند مشعل درخشانی بودند که هسته اساسی شکل‌گیری مقاومت اسلامی را در زمین کاشتند. این هسته که توسط سیدعباس موسوی تأسیس شد، نقش اساسی و بزرگی در شکل‌گیری اندیشه مقاومت اسلامی داشت. در حقیقت سیدعباس نسلی از طلاب و اندیشمندان را به وجود آورد که راهکارهای انقلابی و پیکارهای اجتماعی را به مردم لبنان نشان دادند. سیدعباس موسوی این طلبه‌ها را که در مراحل دوم و سوم و چهارم تحصیلات حوزوی به سر می‌بردند، در مناسبت‌های مختلف به شهرها و روستاهای گوناگون اعزام می‌کرد تا فرهنگ انقلابی و دینی را براساس دیدگاه‌ها و خط مشی امام خمینی (ره)

نداشتند. جریان دیگری در جامعه شیعیان لبنان وجود داشت که عمل‌گرا بود و دوست داشت به اصلاحاتی در جامعه شیعه دست بزند اما، امکانات آن بسیار محدود بود. همان‌گونه که ملاحظه کردید جنبش امام موسی صدر پس از ناپدید شدن او گسترش یافت و قوی شد. در زمان حضور امام صدر جنبش محرومان به طور نسبی ضعیف بود و از امکانات وسیع برخوردار نبود.

بفرمایید جنبش اسلامی شیعیان لبنان در چه زمانی آغاز شد و چگونه شکل گرفت؟

شکل‌گیری و گسترش جنبش اسلامی شیعیان دو دلیل داشت. یکی گسترش تجاوزگری دشمن صهیونیستی به جنوب لبنان و اشغال بخش وسیعی از خاک این کشور بود. دلیل دوم، برپایی جمهوری اسلامی در ایران و ارائه امکانات و کمک‌های گوناگون به شیعیان لبنان بود. نظام جمهوری اسلامی امکانات خود را در اختیار کسانی قرار داد که به آزادسازی جنوب لبنان و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی فلسطین علاقه‌مند بود. دولت‌های عرب ده‌ها سال بود که شعار آزادی فلسطین و قدس را سر می‌دادند، اما، این چه شعاری است که در سایه آن نیمی از خاک لبنان به اشغال صهیونیست‌ها در می‌آید؟ بر اساس این نگرش جوانان متعهد و مؤمن و شیعه لبنانی تخم مبارزه اصیل را در جنوب لبنان کاشتند و پرچم آزادی و رهایی را بر افراشتند. جوانان مؤمن و متعهد که سیدعباس موسوی یکی از آنان بود، حرکت خود را آغاز کردند. این حرکت از نظر فکری تکامل و تبلور نیافته بود اما، بر اساس این اصل که «هر تلاشی در راه خدا رشد و گسترش می‌یابد» این حرکت راهش را آغاز کرد و امروز در قالب حزب‌الله و مقاومت اسلامی تجلی یافته است.

بفرمایید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از حضور در منطقه بقاع در شرق لبنان چه نقشی در پرورش و گسترش حرکت این جوانان مؤمن و متعهد داشت؟

این پرسش، این نکته را یادآوری می‌کند که جوانان مؤمن و متعهد این حرکت که راهشان را آغاز کردند، آموزش نظامی ندیده بودند. از هنر رزم و جنگ چریکی شناخت کافی نداشتند. فرهنگ انقلابی دینی جوانان شیعه ضعیف بود. فرهنگ انقلابی به تنهایی کافی نیست. فرهنگ انقلابی باید با دین و تعهد پیوند خورده باشد. این فرهنگ را برادران سپاهی که به لبنان آمدند پایه‌گذاری کردند. آقای عسکری فرمانده سپاه در لبنان در گسترش فرهنگ انقلاب دینی میان جوانان لبنانی نقش به‌سزایی ایفا کرد. او با برپایی جلسات فرهنگی و مجالس بسیار عزاداری برای شهدای مقاومت و برگزاری مراسم سینه زنی و دعای کمیل توانست جوانان شیعه لبنانی را تحت تأثیر فرهنگ انقلابی دینی قرار دهد.

بی‌تردید اگر حضور سپاهیان انقلاب اسلامی در آن مرحله در مناطق گوناگون بقاع و آموزش عقیدتی سیاسی و رزمی جوانان لبنانی در کار نبود، امکان نداشت جنبش مقاومت اسلامی به این سطح از آگاهی و توانمندی که امروز شاهد آن هستیم برسد. جوانان مبارز لبنانی برای ستیزه جویی با ارتش اسرائیل که کشورشان را اشغال کرده بود، واقعاً به کمک‌های آموزشی رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیاز داشتند.

شهید سید عباس موسوی پس از اخراج از حوزه علمیه نجف اشرف و بازگشت به بعلبک بسیاری از جوانان لبنانی از جمله سیدحسین نصرالله را برای ادامه تحصیلات علوم دینی تشویق کرد. در این زمینه چه اطلاعاتی دارید؟

این یک واقعیت آشکار است. هنگامی که سیدعباس برای دیدار پدر و مادرش از نجف به لبنان آمد، از دفتر شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر به او اطلاع دادند که در لبنان بماند و از بازگشت مجدد به نجف خود داری کند، چرا

خود قرار داد و همه تلاش‌ها و مبارزات خستگی‌ناپذیر خود را در راه مکتب او متمرکز کرد. در این گفت‌وگو لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که سکون مقاومت اسلامی لبنان به دست توانای امام خمینی (ره) ساخته شده است و سیدعباس موسوی و سایر برادران او سکون دار این مقاومت بودند.

حوزه علمیه امام منتظر (عج) در شهر بعلبک که شهید سیدعباس موسوی آن را بنیانگذار در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟

از تأسیس حوزه علمیه بعلبک توسط شهید سیدعباس موسوی حدود سه دهه گذشته است. در این مدت حوزه‌های بسیاری در مناطق گوناگون لبنان تأسیس شده و علاقه‌مندان به فراگیری علوم اهل بیت (ع) در مناطقی که حوزه‌های علمیه در آن وجود دارد سرگرم تحصیلند. در شرایطی که حوزه‌های فراوان در لبنان وجود نداشت، حوزه بعلبک حالت مرکزیت داشت، و جوانان از مناطق گوناگون لبنان و کشورهای همسایه و نیز از شمال آفریقا در آن تحصیل می‌کردند. اکنون این حوزه در انحصار طلبه‌های ساکن بعلبک و روستاهای بقاع در آمده است. با این وصف این حوزه فعالیت گسترده خود را با مدیریت حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ محمد یزبک ادامه می‌دهد. آقای یزبک یکی از رهبران برجسته حزب‌الله لبنان است. می‌توانم بگویم که این حوزه همچنان راه و روش شهید سیدعباس موسوی را ادامه می‌دهد.

به عنوان آخرین سؤال دستاوردهای شهید موسوی را در صحنه لبنان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شما با این سؤال بحث را منتقل می‌کنید به دستاوردهای کیفی حزب‌الله. چرا که یکی از تأثیرگذاری‌های شهید سیدعباس موسوی مساوی است با تأسیس حزب‌الله. مساوی است با پرورش شخصیت‌هایی در سطح سیدحسین نصرالله. بی‌تردید این تأثیرگذاری با می‌گردد به نقش مکتب امام خمینی (ره). در همه تحولات و دستاوردهای کنونی حزب‌الله، سیدعباس موسوی نقش مستقیم داشته است. اکنون در لبنان بر سر دولت حزب‌الله جدال وجود دارد. اکنون حزب‌الله تنها یک جریان مقاومت نیست. حزب‌الله در شرایط کنونی لبنان حرف اول را می‌زند. مقاومت امروزه به توده عظیم مردم تبدیل شده است. مقاومت اسلامی لبنان برای سایر جنبش‌های مقاومت در فلسطین و همه کشورهایی که در آن ظلم و بی‌عدالتی وجود دارد الگو و سرمشق شده است. امروزه گروه‌هایی که در عراق با اشغالگران امریکایی می‌جنگند، پرچم حزب‌الله را در دست دارند و شعار حزب‌الله را سر می‌دهند. اگر بگویم همه این تحولات و دستاوردها به برکت خون سیدعباس بوده، اغراق نگفتم. منکر نقش مسئولان حزب‌الله که روزی از شاگردان

سیدعباس بوده‌اند نیستیم. اگر بخواهیم همه این دستاوردها را به مرد شماره یک حزب‌الله نسبت دهیم، می‌توانیم تأکید کنیم که بانی و بنیانگذار اصلی جریان حزب‌الله، شهید سیدعباس موسوی بوده است. سیدعباس موسوی اولین مشعل و اولین نشانه راه حزب‌الله لبنان بوده است. آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان، گسترش اندیشه‌های امام خمینی (ره) در لبنان، بنیانگذاری جنبش مقاومت مستحکم و خلل‌ناپذیر و بهبود اوضاع مسلمانان لبنان از نظر اقتصادی و سیاسی همه از دستاوردها و برکات انفساس امام خمینی (ره) و سیدعباس موسوی بوده است. ■



بی‌تردید تأثیرگذاری امام خمینی (ره) بر سیدعباس موسوی کمتر از تأثیرگذاری شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر نبوده است. شهید صدر به رغم دانش و نبوغی که داشت در امام خمینی (ره) ذوب شده بود. شهید صدر به شدت شیفته امام خمینی (ره) و دیدگاه‌های او شده بود.

موسوی در اندیشه‌های شهید صدر گامی بود در مسیر ذوب شدن در اندیشه‌های امام خمینی (ره). سیدعباس همواره مسیر تکاملی را طی می‌کرد تا به اهداف بالا و بالا برسد. در زمانی که امام خمینی (ره) در حوزه علمیه نجف اشرف در تبعید به سر می‌برد شهید آیت‌الله صدر نیز که یکی از اساتید و مراجع تقلید بزرگ نجف بود، تحت تأثیر اندیشه‌های انقلابی و اصلاح‌گرایانه و ابعاد اخلاقی و عرفانی امام خمینی (ره) قرار داشت. شهید صدر آمادگی داشت بر اساس فرامین و رهنمودهای امام خمینی (ره) عمل کند. با وجود آنکه شهید صدر یکی از بنیانگذاران جنبش اسلامی عراق بود از تجربیات و راهکارهای امام خمینی استفاده می‌کرد. در بسیاری از مسائل کوچک و بزرگ با امام خمینی (ره) مشورت می‌کرد. بنابراین، سیدعباس موسوی، امام خمینی (ره) را پس از شهید صدر قله علم و تقوا در عصر غیبت امام زمان (عج) می‌دانست. شهید موسوی و شهید صدر امام خمینی (ره) را قله عظمت و جانشین امام مهدی (عج) می‌دانستند. چرا که امام خمینی به عنوان جانشین امام معصوم (ع) به اوج عرفان و پرهیزکاری رسیده بود. در حوزه مبارزه و انقلاب، امام خمینی مکتب ساز همه انقلابیون جهان و قبله گاه همه عاشقان و شیفته گان و خداجویان شده بود. شیعیان مکتب اهل بیت (ع) و پیروان همه مذاهب اسلامی نهضت امام خمینی (ره) را الگو و سرمشق خود می‌دانستند. امام خمینی (ره) نماد مکتب پر شاخ و برگی است که شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر یکی از شاخه‌های بزرگ آن را تشکیل می‌دهد. سیدعباس موسوی نیز از این شاخه روئیده است. بنابراین، شهید سیدعباس موسوی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پس از شهادت شهید صدر در ادامه مسیر تکاملی خود به مکتب امام خمینی (ره) پیوست، و در ادامه مسیر تکاملی خود به مکتب امام خمینی (ره) پیوست، و در امام خمینی (ره) ذوب شد. امام خمینی (ره) را مراد و معشوق

منظورم این نیست که این برنامه‌ها را قبول نداشتند. آن دو هرگز در صدد مطالعه کتاب‌های عرفانی نبودند. اگر منظورتان از عرفان، صحیفه سجاده است؟ اگر منظورتان از عرفان دعای کمیل است؟ اگر منظورتان قرآن و مکتب اهل بیت (ع) عصمت و طهارت است؟ می‌توانم به شما پاسخ دهم که شهید صدر و شاگرد ارشد او شهید سیدعباس موسوی، از قله‌های بلند مکتب عرفانی اهل بیت (ع) بودند. من سیدعباس را چند بار میان رزمندگان مقاومت در جبهه‌های جنوب لبنان در پایگاه صدیقین مشاهده کردم. من دروس حوزوی را اولین بار حدود ۲۵ سال پیش در حوزه علمیه روستای صدیقین در جنوب لبنان آغاز کردم. پایگاه‌های رزمندگان مقاومت در اطراف این روستا قرار داشتند و جوانان سلحشور مقاومت از این پایگاه‌ها عملیات ضد صهیونیستی را آغاز می‌کردند. سیدعباس مدتی در شهر صورت اقامت کرد. او همواره از این پایگاه‌ها دیدن می‌کرد و میان جوانان مقاومت می‌نشست و با صدای خود برای آنان دعا قرائت می‌کرد، به گونه‌ای که همه گریه می‌کردند.

به یاد دارم در ابتدای سال ۱۹۸۶ رزمندگان مقاومت تصمیم داشتند پایگاه «حقبان» اسرائیلی‌ها را که در ارتفاعات مشرف بر روستای صدیقین قرار داشت آزاد کنند. این پایگاه از نظر اشغالگران صهیونیست خیلی مهم بود. سیدعباس پیش از آغاز عملیات به جمع رزمندگان مقاومت پیوست و در عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی شرکت کرد رزمندگان به او اجازه ندادند به خطوط مقدم جبهه پیشروی کند، اما، او تا خطوط پشت جبهه و در فاصله ۲۰۰ متری همراه آنان پیشروی کرد. یکی از پزشکان به نام دکتر ابراهیم عطوی که توسط مزدوران استخبار جهانی و در نتیجه بمب‌گذاری پاهایش را از دست داد، همراه سیدعباس بود. سیدعباس مانند یک رزمنده میان رزمندگان حاضر می‌شد، و از آنان پشتیبانی می‌کرد. تواضع و فروتنی و ایثارگری او جرایشات عرفانی سیدعباس موسوی را می‌رساند. از زرق و برق مسایل دنیوی و مادی دوری می‌کرد. تواضع و فروتنی او را در برابر درگاه خداوند ناچیز کرده بود. رفتار متواضعانه و زاهدانه سیدعباس موسوی نشان می‌داد که او در عصر حاضر و در شرایط فعلی زندگی نمی‌کند، بلکه نشان می‌داد که از درون خاندان اهل بیت و ائمه طاهرين (ع) برانگیخته شده است. او با روحیات عالی بزرگان صدر اسلام و اولیای بزرگ میان ما حضور داشت.

سیدعباس در برخورد با مسائل و دفاع از آرمان محرومان مردی شجاع، غیور و فداکار بود اما، هنگامی که خاشعانه در محضر خدا قرار می‌گرفت مانند مادران داغ دیده زار زار گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت. این ویژگی‌ها به سیدعباس محدود نیست، بلکه به شاگردان او همچون سیدحسین نصرالله نیز منتقل شده است. این افراد عشق خاصی به عرفان دارند. به ابعاد اخلاقی شخصیت انسان عشق می‌ورزند. رفتار و مسلک‌شان عشق به مردم و بندگان نیکوکار و پرهیزکار خداست.

بفرمایید شهید موسوی تا چه اندازه تحت تأثیر دیدگاه‌ها و رهنمودهای امام خمینی (ره) قرار داشت؟

بی‌تردید تأثیرگذاری امام خمینی (ره) بر سیدعباس موسوی کمتر از تأثیرگذاری شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر نبوده است. شهید صدر به رغم دانش و نبوغی که داشت در امام خمینی (ره) ذوب شده بود. شهید صدر به شدت شیفته امام خمینی (ره) و دیدگاه‌های او شده بود. ذوب شدن شهید سیدعباس